

تجربه کف خیابان جز تحمیل هزینه‌های سنگین بر اقشار جامعه، فرو بردن جامعه به حالت انفعال و پراکنده شدن و خروج نیروها از کشور کدام مشکل را توانسته حل کند؟

محسن آرمین، فعال سیاسی اصلاح طلب ایران:



محسن آرمین، فعال سیاسی اصلاح طلب ایران گفت:

در حال حاضر من گفتمان رقیب و آلترناتیوی برای اصلاحات و راه حل کارآمدتری برای حل مشکلات جامعه نسبت به صندوق رأی نمی‌شناسم. البته گفتمان اصلاح طلبی به تعریفی که تاکنون محور فعالیت اصلاح طلبان بوده است نیز نشان داده که توان حل مشکلات را ندارد و نمی‌تواند پاسخگوی نیازها و ضرورت‌های این مرحله از مبارزات سیاسی اجتماعی ملت ایران باشد بنابراین این گفتمان باید مورد تجدید نظر و بازنگری قرار گیرد و متناسب با نیازها، این مرحله از تحولات اجتماعی و سیاسی کشور به روز شود.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از برنا، او ادامه داد:

اول بپذیریم که کف خیابان راه حل نیست بلکه معضلات و مشکلات را پیچیده‌تر، آزادی‌ها را محدودتر می‌کند و هزینه‌هایی فراتر از ظرفیت‌های جامعه به جامعه تحمیل می‌کند. تجربه کف خیابان تا کنون جز هزینه‌های سنگین بر اقشار جامعه، فرو بردن جامعه به حالت انفعال برای مدتی طولانی، پراکنده شدن و خروج نیروها از کشور چه نتیجه‌ای داشته و کدام مشکل را توانسته حل کند؟ هیچ نیرویی قادر به کنترل کف خیابان و تبدیل کردن آن به نیرویی برای گفت و گو و وادار کردن رقیب به تمکین در برابر مطالبات مردم نیست بلکه بر عکس می‌توان حدس زد که جرقه اولیه حرکت‌های کف خیابان دقیقاً توسط نیرویی زده می‌شود که بعد توسط به خشونت و اسلحه به کنترل و سرکوب آن می‌پردازد. جامعه نشان داده است از حرکت‌های کف خیابان استقبال نمی‌کند.

آرمین گفت:

اصلاح طلبان از جامعه عبور نکرده‌اند که به آن بازگردند. آن چه رخ داده است بی اعتمادی جامعه به اصلاح طلبان است. این بی اعتمادی البته بیش از آن که ناشی از بد بینی و قضاوت‌های منفی در باره اصلاح طلبان باشد نتیجه ناامیدی و بی اعتمادی نسبت به نظام است. در واقع جامعه نسبت به کارآمدی نظام در حل مشکلات بی اعتماد و از تحقق آینده بهتر ناامید شده است. به عبارت بهتر شکاف بی اعتمادی میان جامعه و نظام عمیق‌تر شده است. در چنین شرایطی طبیعتاً اعتماد جامعه به هر نیرویی که خواهان اصلاح در چارچوب نظام است کاهش پیدا می‌کند. وقتی جامعه نسبت به نظام بی اعتماد می‌شود طبیعتاً به توان و کارآمدی اصلاح طلبان به عنوان نیرویی که خواهان اصلاح امور در چارچوب نظام هستند بی اعتماد می‌شود.

او اظهار کرد:

اصولاً یک نیروی سیاسی اصلاح طلب نمی‌تواند با صندوق رأی خداحافظی کند. فراموشی صندوق رأی با ماهیت اصلاح طلبی ناسازگار است اما عصبانیت و قهر جامعه با بخش‌هایی از حکومت و تندروی‌ها یک واقعیت است و اصلاح طلبان باید به این تجربه توجه کنند.

آزمین گفت:

جریان حاکم نشان داده است که بیش از آن که به مصالح کشور متعهد باشد در پی کسب قدرت مطلقه است. اگر عقلانیتی معطوف به مصالح ملی در این جریان وجود داشت طی سال‌های گذشته دعوت اصلاح طلبان و حتی اصولگرایان معتدل را به وحدت و همکاری برای حل مشکلات کشور می‌پذیرفت. به نظرم نه آنها در این دوره از اصلاح طلبان استفاده می‌کنند و نه اصلاح طلبان می‌توانند گفتمان آنها را به رسمیت بشناسند.

او ادامه داد:

انتقاداتی از این دست که بزرگان احزاب اصلاح طلب اجازه رشد به جوان‌ها نداده‌اند به میزان زیادی فضا سازی کاذب است و هدف از آن جدا کردن و بدبین کردن بدنه جوان به سطوح رهبری اصلاح طلبان است. سناریویی در کار است که علاوه بر جدا کردن و بدبین کردن جامعه به اصلاح طلبان بدنه جوان و فعال اصلاح طلبان را نیز بدبین و ناامید می‌کند. شعار جوانگرایی از جمله سناریوهای حساب شده‌ای بود که برخی از دوستان ما را نیز فریب داد و بسیاری از مدیران اصلاح طلب یا معتدل در بدنه دولت بازنشسته شدند اما مدیران وابسته به جریان مقابل با دریافت مجوزهای ویژه چه در دولت و چه در نهادهای تحت نفوذ این جریان ابقا شدند.

برچسب‌ها: [اصلاحات](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[انتخابات](#) [3]